



یادداشت 

مردم زیر بار این همه گرانی و ستم نخواهند رفت

صادق کار



در جواب فرا افکنان باید گفت، افزایش جهشی قیمت نان و سایر کالاها و بحران ها و فجایع موجود مسائلی نیستند که با تغییر و جابجایی چند وزیر بشود آن را رفع و رجوع نمود. این یک سیاست و نتیجه دیدگاه و عملکرد حکومت و مدافعان سیاست های تعدیلی و شوک درمانی، طی چند دهه گذشته هستند. حکومت نشان داده نه راه حلی برای آنان دارد نه قادر به تامین نیازهای مردم است، و نه حاضر به تغییر سیاستها خود است. در این مدت ۹ دولت آمده اند و رفته اند، ولی هیچکدام نتوانسته اند جلوی این روند را بگیرند.

همانطور که کارشناسان سیاسی و اقتصادی از قبل پیشبینی کرده و هشدار داده بودند، روند افزایش قیمتها پس از قطع اختصاص ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی به بعضی از کالاهای اساسی و شتاب بخشیدن به سیاست آزاد سازی قیمتها با شدتی که پیش از این سابقه نداشته است همه روزه در حال افزایش هستند. به واقع قیمت همه ی کالاها و خدمات از آغاز سال جدید به این سو ترمز پاره کرده است.



افزایش قیمت ها در شرایطی دم به دم بیشتر می شود که مسئولین دولتی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را تکذیب کرده اند. اگر این ادعا کذب نباشد باید بیشتر موجب خشم مردم شود چون پس از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی رشد قیمتها شتاب بیشتری خواهد گرفت.

برای مثال می توان به اظهار نظر معاونت بهداشت رئیس جمهور استناد کرد که گفته است قیمت کالاهای دارویی ۶ الی ۷ برابر خواهد شد. در مورد بیشتر کالاها نیز اگر افزایش قیمت به اندازه دارو نباشد کمتر از آن نخواهد بود.

مطابق آمارهای رسمی قیمت برنج طی ۸ ماه ۱۳۰ درصد، قیمت ماکارونی طی کمتر از دوهفته حداقل ۲۰۰ درصد، قیمت حبوبات ۱۰۰ درصد قیمت روغن های خوراکی و نان های سنتی نیز افزایش چشمگیری پیدا کرده اند. با وجود گرانی های محسوس و شدید اما روزنامه ی دولتی ایران به جای مسئولین دولتی به نقل از خبرنگاران خود نسبت به موج مهار نشدنی قیمتها جواب داده و منکر گران شدن نان و حذف سوبسید نان شده است.

رشد تورم و قیمت ها نه پدیده ی نوظهوری در ایران است و نه محدود به کالاها و اقلام خاصی است. این پدیده سالهای زیادی است ادامه دارد و رشد آن در سالهای اخیر و حتی پیش از اعلام تصمیم دولت و مجلس به حذف ترجیحی جریان داشته و مدتهاست که کنترل آن از دست دولت خارج شده است.

در حقیقت ۱۲ برابر شدن قیمت آرد سفید توسط دولت بزرگترین شوکی بود که بعد از گرانی بنزین در آبان ۹۸ به قیمتها وارد شد.

بلافاصله پس از گران شدن آرد قیمت نان غیر سنتی و صنعتی و ماکارونی چند برابر شد قیمت سایر اقلام خوراکی نیز متعاقب آن به شدت افزایش یافت و بعضا نایاب شدند و هیچ کالایی از تاثیر گرانیها در امان نمانده و نخواهد ماند.

به گزارش برخی روزنامه ها قیمت ماکارونی ۲۰۰ درصد و حبوبات ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرد. قیمت سیب زمینی و گوجه و صیفی جات و میوه ها نیز به شدت و بعضا دو تا سه برابر در هفته های اخیر گران شده بودند. قیمت گوشت و مرغ هم که از قبل به حدی بالا رفته است که فقط اعیان و اشراف از پس پرداخت قیمت آن بر می آیند.

این در حالی است که تولید کنندگان و فروشندگان این مقدار افزایش را نیز کافی نمی دانند و حاضر به عرضه کالاهایی که در انبار هایشان ذخیره کرده اند نیستند. با این اوصاف قیمت ها به نظر می رسد که از این که هست گرانتر خواهند شد و کمبود کالاها نیز از هم اکنون محسوستر گردیده است. بقول یک زن خانه دار حالا دیگر در محله های جنوب شهر مردم صف مرغ یخزده دولتی را ول کرده و صف های روغن و ماکارونی را پر کرده اند.

نا گفته پیداست که دایره تاثیرات ۱۲ برابر شدن قیمت آرد سفید محدود به اقلام خوراکی نخواهد ماند و روی افزایش کالاهای غیر خوراکی، پوشاک، حمل و نقل، سوخت، خدمات، دارو و درمان... چنان اثر ویرانگری خواهد نهاد که ابعاد آن بر زندگی اکثریت مردم فاجعه بار خواهد بود.

مهمترین پیامد اجتناب ناپذیر این شوک اقتصادی تحمیل گرسنگی به بیش از نیمی از جمعیت کشور است که یا درآمد کافی ندارند و یا بکلی بیکار و فاقد درآمد هستند و قبل از این نیز قادر به تامین هزینه های یک زندگی حداقلی هم نبودند.



طبعا این گروه ها را دیگر کسی قادر نیست با دادن وعده‌های کاذب و فریب و توسل به زور و سرکوب آرام نگاه دارد و مانع طغیان آنان گردد.

وزیر کشاورزی دولت رئیسی که قبلا افزایش قیمت نان را تکذیب میکرد و آنرا به گرانفروشان نسبت می داد خودش این بار در گران کردن آرد که اساسی ترین کالای حیاتی است پیشقدم شد و آن را ۱۲ برابر گران کرد. و علت گران کردن قیمت آرد را جلوگیری از قاچاق آرد به کشورهای همسایه عنوان کرد و افزود بزودی با پرداخت یارانه به مصرف کنندگان گرانی را جبران خواهند کرد. به دنبال وزیر کشاورزی احسان ارکانی یکی از اعضای کمیسیون برنامه مجلس که خودش هم حتمی بر حسب موقعیت اش باید دستی در این کار داشته باشد برای آرام کردن و جلوگیری از انفجار خشم مردم وارد عمل شد و تلاش کرد با وعده جیره نان روزانه اندکی التهاب بوجود آمده را پائین بیاورد.

روزنامه انتخاب پنجشنبه همین هفته از قول احسان ارکانی یکی از اعضای کمیسیون برنامه مجلس خبر از کو پنی و سهمیه بندی کردن نان داد و نوشت: "چیزی که من شنیده‌ام این است که گویا در قالب همین کارت فعلی یارانه‌ها، یک ساز و کاری طراحی می‌شود که مثلا به نسبت سرانه، حدود هفت دهم نان سنگگ به ازای هر فرد تعریف و مازاد بر آن محاسبه شود. به این شکل که شما نان که می‌خرید و از طریق دستگاه کارتخوان نانواپی کارت یارانه که می‌کشید، معادل آن سرانه تعریف شده مشمول یارانه و به همان قیمت فعلی حساب می‌شود و مازاد بر الگوی مصرف آن را از حساب بانکی برداشت می‌کنند و به صورت آزاد محاسبه می‌شود"

اگر این خبر احسان ارکانی درست باشد معلوم می‌شود که دولت خلاف اظهارات وزیر کشاورزی می‌خواهد با این کلک بازاری حداقل یک سوم نان سنگگ را به هر نفر به قیمت آزاد بفروشد چرا که نانوا نمی‌تواند به هر مشتری هفت دهم یک نان را که سهمیه اش است بفروشد و بقیه اش را نگه دارد! حساب و کتاب اش را هم جور کرده، چون می‌داند که ۷ دهم یک نان سنگگ شکم آدم بزرگسال را سیر نمی‌کند و طرف مجبور است همه نان را بخرد.

مردم اعتمادی به این وعده‌ها ندارند چون وعده تا کنون بسیار شنیده‌اند ولی در عمل خلاف آنها را دیده‌اند. مردم دیده و می‌بینند با وجود گذشت ۹ ما از تشکیل دولت، رئیسی به رغم شدت گرفتن سرعت افزایش قیمت‌ها به وعده افزایش یارانه که قبل از تشکیل دولت به مردم داده بود عمل نکرده است و وعده کاهش گرانیها نیز دروغ از کار درآمده و مسئولین دولتی به سردواندن مردم مشغول اند.

افزایش یارانه‌ها اگر هم عملی شود آنقدر نخواهد بود که بتواند این همه گرانی و پیامدهای اجرای شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها را که توسط حکومت پیش برده می‌شود جبران کند.

حذف یارانه کالاهای اساسی و تاثیرات آن روی قیمت‌ها این روزها تنها مردم عادی و بی چیز و کم درآمد و مزد و حقوق بگیران و حاشیه نشینان را خشمگین و معترض و عصیان زده نکرده است. تولید کنندگان و بعضی از آنهاپی را هم که قبلا برای مجلس و دولت بخاطر تصمیم به لغو ارز ۴۲۰۰ تومانی هورا می‌کشیدند و در آغاز فرش قرمز برای جلوس ابراهیم رئیسی در اتاق بازرگانی پهن می‌کردند را به خشم و اعتراض در برابر دولت واداشته است. خشم و اعتراضی که در همه جا آشکار است .

با این همه تولید کنندگان و کسبه و آنهایی که دستشان به دهانشان می‌رسد، کماکان با افزودن بر قیمت کالاها و خدماتی که تولید و عرضه می‌کنند گرانی‌ها را می‌توانند جبران کنند و گلیم خودشان را از



آب بیرون بکشند و آنقدر نفوذ در حکومت و رسانه در اختیار دارند که بتوانند حرفها و اعتراض و خواسته هایشان را هم جا منتشر و بیشترشان را به کرسی بنشانند.

در این میان عده‌ای از نمایندگان مجلس و وابستگان به قدرت که خود در افزایش قیمت‌ها و فجایع کنونی نقش غیر قابل انکاری داشته و دارند و از این بابت ذینفع بوده و نگران طغیان مردم نیز هستند، در تلاشند با فرا افکنی و انداختن تقصیر ترمز بریدن قیمت‌ها به عهده عده معدودی از وزار و مسئولین، سیستم حاکم و سیاست‌های اقتصادی اجتماعی حکومت را که عامل همه فجایع هستند از زیر ضرب خارج و جهت اعتراضات اجتماعی را از مبارزه با حکومت و سیاست‌های حاکم بسوی چند وزیر و مسئول و مهره سوخته منحرف نمایند. بهمین جهت عده‌ای از آنان خواستار تغییر تیم اقتصادی دولت شده‌اند، عده دیگری می‌خواهند کاسه کوزه سیاست شوک درمانی را بر سر تولید کنندگان و کسبه خرد بشکنند و گروهی هم با وجود اینکه خودشان قیمت کالاهای شان را چند برابر میزان افزایش دستمزدهای کارگران بالا برده‌اند، به نا روا افزایش ناچیز دستمزدها را عامل افزایش تورم می‌خوانند و کارزار وسیعی را علیه آن به راه انداخته‌اند.

این در حالی است که افزوده‌ی ناچیزی که به دستمزدها اختصاص یافته هنوز یک ماه از سال نگذشته در اثر افزایش قیمت‌ها بلعیده و نیست و نابود گردیده است.

پیداست که این گرانی‌ها روی زندگی و معیشت اکثریت مردم به شمول گروه‌هایی از تولید کنندگان و کسبه خرده پا اثر منفی می‌گذارد. اما بازنده‌گان و قربانیان اصلی سیاست‌های شوک درمانی حکومت، کارگران و مزدبگیران، بی چیز شدگان شهری و روستایی، بیکاران و میلیون‌ها حاشیه نشینانی هستند که هم اکنون نیز روزگار ناخوش و تحمل ناپذیری دارند.

در جواب فرا افکنان باید گفت، افزایش جهشی قیمت نان و سایر کالاها و بحران‌ها و فجایع موجود مسائلی نیستند که با تغییر و جابجایی چند وزیر بشود آن را رفع و رجوع نمود. این یک سیاست و نتیجه دیدگاه و عملکرد حکومت و مدافعان سیاست‌های تعدیلی و شوک درمانی، طی چند دهه گذشته هستند. حکومت نشان داده نه راه حلی برای آنان دارد نه قادر به‌تامین نیازهای مردم است، و نه حاضر به تغییر سیاست‌ها خود است. در این مدت ۹ دولت آمده‌اند و رفته‌اند، ولی هیچکدام نتوانسته‌اند جلوی این روند را بگیرند.

در حکومتی که تمام صاحب منصبان اصلی آن غرق در فساد و تباهی و نالایق هستند با جا بجایی چند وزیر و مسئول فاسد با تعداد دیگری از افراد همانند آنان، هیچ چیز تغییر نخواهد کرد.

برای خلاصی از این فجایع مردم باید بصورت جمعی و گسترده به اعتراض علیه سیاست‌های ضد مردمی رژیم و عوامل و بانیان آن برخیزند

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمت‌ها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!

برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریهها و تجربیات عملی بخش دوم

فاضل کیوب



عکسی از سالهای بحران بزرگ؛ قهوه و دولات مجانی برای بیکران

اما بیکاری ای که در دوران رکود بزرگ در همه سطوح وقوع یافت، به راستی فاجعه بار بود. دیگر تردیدی باقی نماند که دولت باید کاری می کرد. در امریکا، پس از آن که چندین بار برای احیای بازار اقدام شد، و توصیه های کینز دایر بر لزوم افزایش هزینه های دولت برای تقویت تقاضای کل به کناری نهاده شدند، بالاخره سیاستگذاران دریافته اند که توسل به اقتصاد آزاد و بازار آزاد راه حل مشکل موجود نیست (در سال 1933 میزان بیکاری متجاوز از 25 درصد نیروی کار بود) و متقاعد شدند که دولت بایست به عنوان کارفرمای آخرین راه حل وارد عمل شود.

مقدمه – ادامه

اقتصاددانان نئوکلاسیک، بیش از سه قرن، بر این تأکید کردند که بیکاری یک پدیده گذرا است. آنها یا وجود بیکاری ناخواسته را انکار کرده اند یا میزان آن را مصنوعاً به حداقل رسانده اند. آنها حتی در دوره هائی که بیکاری حدت داشته است، استدلال می کرده اند که تنها کاری که دولت باید بکند این است که در کار بازار دخالت نکند و بگذارد تا بازار در نهایت وضع را سروسامان دهد. علاوه بر این، آنها از این ایده جمیت کرده اند که دولت باید هزینه های خود را کاهش دهد و مشوق "دستمزدهای منعطف یا سیال" باشد.

اما بیکاری ای که در دوران رکود بزرگ در همه سطوح وقوع یافت، به راستی فاجعه بار بود. دیگر تردیدی باقی نماند که دولت باید کاری می کرد. در امریکا، پس از آن که چندین بار برای احیای بازار اقدام شد، و توصیه های کینز دایر بر لزوم افزایش هزینه های دولت برای تقویت تقاضای کل به کناری نهاده شدند، بالاخره سیاستگذاران دریافته اند که توسل به اقتصاد آزاد و بازار آزاد راه حل مشکل موجود نیست (در سال 1933 میزان بیکاری متجاوز از 25 درصد نیروی کار بود) و متقاعد شدند که دولت بایست به عنوان کارفرمای



آخرین راه حل وارد عمل شود. در سال ۱۹۳۳ پرزیدنت روزولت برنامه "نیو دیل" (معامله جدید New Deal) را با مجموعه ای از آژانس های فعال در امر استخدام عمومی را اعلام کرد. این مجموعه، که بین سال های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۶ به تصویب رسید، از جمله دفتر امور همگانی، دفتر امور عمرانی، دفتر توسعه کار، سپاه عمران، دفتر ملی جوانان، دفتر برق رسانی روستایی و دفتر فدرال برای امداد اضطراری را شامل می شد.

علیرغم موفقیت فوری این دفاتر، مخالفت دنیای تجارت و کسب و کار با برنامه های "نیو دیل" بالا گرفت. روزولت به سرعت عقب نشینی کرد و به ملت قول داد که "بودجه ای متعادل در راه است". در اثر این تغییرات میزان بیکاری هم دستخوش تغییرات قابل توجهی شد: نرخ بیکاری که به یمن دو برابر کردن بودجه لازم توسط بانک مرکزی فدرال (فدرال رزرو بانک Federal Reserve Bank) بین سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۷، در سال ۱۹۳۷ به ۱۴.۳٪ رسیده بود، در سال ۱۹۳۸ دوباره به ۱۹ درصد افزایش یافت، زیرا روزولت در واکنش به ترسی که از افزایش تورم توسط بانک مرکزی فدرال ابراز شده بود، تصمیم گرفت مخارج دولت را کاهش دهد. از این قرار، اگرچه نیو دیل هرگز یک برنامه "دولت به عنوان کارفرمای آخرین راه حل" مد نظر نبود و هرگز هم در صدد ایجاد تقاضای بینهایت قابل گسترش برای نیروی کار برنیامد، اما به طور تجربی نشان داد که دولت می تواند به عنوان کارفرمای آخرین راه حل وارد عمل شود و مشاغل مناسبی را تأمین کند که در رقابت با بخش خصوصی عمل نکنند و از نظر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مفید باشند.

از آن پس نسل جدیدی از اقتصاددانان در باره "کارفرمای آخرین راه حل"، دیگر نه به عنوان یک مشغله روشن فکرانه صرف، بلکه به عنوان یک سیاست آلترناتیو آغاز به اندیشیدن کرد و به این سیاست رو آورد. به این ترتیب بود که وقتی جنگ جهانی دوم شروع شد، بدون آن که بحث چندانی صورت گیرد، این سیاست پیشه شد. در طول دوره جنگ اشتغال کامل عملاً حاصل شد و نرخ بیکاری در سال ۱۹۴۴ به ۱.۲ درصد رسید که کمترین نرخ ثبت شده در تاریخ ایالات متحده بوده است. نگرانی در مورد افزایش تورم شتاب گرفته زمانی جدی گرفته شد که دفتر مدیریت قیمتها (۱۹۴۲-۱۹۴۷) قیمت های مارس سال ۱۹۴۲ را به عنوان سقفی برای قیمت خرده فروشی حدود ۹۰ قلم مواد غذایی و نیز برای اجاره خانه مبنای قرار داد. در همین دوره، سهمیه بندی بر کالاهای کلیدی نیز اعمال شد. به این ترتیب اشتغال کامل و ثبات قیمتها به طور همزمان تحقق یافتند؛ اما تنها در زمان جنگ، یعنی در زمانی که شمار قابل توجهی از مردان بالغ در سن کار در ارتش و بقیه جمعیت در سن کار برای حمایت از تلاشهای جنگی به کار گرفته شده بودند. بنابراین، ارزیابی از تجربه اشتغال کامل در امریکا، و نتیجه گیری از این تجربه باید با توجه به شرایط خاص زمان جنگ با احتیاط انجام شود، اگرچه که از روش های به کار گرفته شده در آن زمان بتوان بسیار آموخت.

اتحاد، همبستگی، مبارزه ضامن پیروزی است!

**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری
حمایت کنیم!**

از مبارزات کارگران و مزد بگیران علیه قراردادهای موقت و پیمانی حمایت کنیم!



اول ماه مه از پاریس تا تهران

صادق



اول ماه مه مصادف با ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی و مبارزه مشترک کارگران جهان علیه بی عدالتی و استثمار و تبعیضاتی است که نظام ها و دولتهای سرمایه داری علیه کارگران اعمال می کنند. کارگران کشورهای مختلف فارغ از ملیت، مسلک رنگ و جنسیت در این روز با برگزاری تظاهرات و مراسم مختلف راهی خیابانها می شوند تا خواسته های خود را اعلام و برای عملی کردن آنها با هم متحدانه مبارزه کنند.

بله اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان است. اما فقط یک روز نیست. نماد و مظهر هم هست. مظهر جنبشی که پس سالها تلاش توسط سازمانهای کارگری سرانجام ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۹ در کنگره کارگری پاریس از ایده به عمل درآمد.

پیشروان جنبش کارگری در کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی در نشست ها و کنگره های پیشین خود بر اهمیت و نقش دگرگون ساز همبستگی میان کارگران کشورهای مختلف وقوف داشتند. در همان ایام نیز که کارگران در زیر استثمار شدید و بی رحمانه کارخانه داران و دولتهای سرمایه داری از بدیهی ترین حقوق انسانی شان محروم شده بودند سازمانهای کارگری در کشورهای صنعتی تا حدود زیادی به رغم گرایشهای نظری و شیوه های مبارزاتی که داشتند به نوعی همبستگی رسیده بودند. با این حال می دانستند که همبستگی را بایستی از پائین و در ابعاد جهانی ایجاد کرد تا کارگران بتوانند به کمک آن به حقوق انسانی شان برسند. خود جریانهای متشکل در کنگره پاریس دارای گرایشهای مختلفی بودند با این همه توانسته بودند علرغم تفاوت های نظری و مسلکی حول ضرورت همبستگی طبقه کارگر نه تنها در یک کشور بلکه در سطح جهان با هم توافق کنند. آنها همبستگی را ابتدا از خود شروع کردند و آنرا الگوی همبستگی جهانی قرار دادند

تلاشها و کنفرانس های سازمان های کارگری با همه اهمیت و تاثیری که در این خصوص داشت ولی نتوانسته بود در آن ایام توده های کارگر را از پائین و در سطح جهان بهم پیوند بزند. اما در سیاست گذاری ایده پردازی برای جنبش کارگری سازمانهای کارگری وقت نقش تعیین کننده داشتند. ایده روز جهانی برای همبستگی کارگران هم توسط این سازمانها طرح و عملی شد



مهمترین خواسته کارگران در سال ۱۸۹۰ گفته‌اند کاهش ساعات کار به هشت ساعت کار روزانه بوده است. با این حال از آنچه که در قطعنامه ۱۸۸۹ کنگره کارگری پاریس به تصویب رسیده مشخص می‌شود که هدف موسسان روز جهانی کارگر فراتر از تقلیل ساعات کار بوده است.

مبارزه برای کسب حقوق انتخاباتی در کشورهایی که کارگران از حقوق انتخاباتی محروم شده بودند، تلاش برای تسخیر قدرت از طریق قانونی، دفاع از آزادی، مبارزه برای جامعه‌ای بر پایه تعاون که هم صنعتی و هم اجتماعی باشد، بخش‌های دیگر قطعنامه هستند که جزء اهداف حاضران در کنگره بوده‌اند. می‌خواهیم بگویم که خواسته‌ها محدود به مسائل صنفی نشده است.

امروزه وضعیت عمومی کارگران به درجات متفاوتی در اکثر کشورها از لحاظ مختلف تغییر کرده است. و با گذشته قابل قیاس نیست. ساعات کار در بسیاری از کشورها به زیر ۸ ساعت کاهش یافته، تبعیض مزدی و جنسیتی کم و بیش کمتر شده است، وضعیت دستمزد و شرایط کاری کارگران در اکثر کشورها بهبود پیدا کرده، قوانین اجتماعی و کار در تعداد قابل توجهی از کشورها به تصویب رسیده است که باعث بهبود وضعیت عمومی کارگران شده‌اند. زنان و کارگران از حق رای برخوردار شده‌اند. البته هنوز کم نیستند کشورهای که وضعیت کارگران در آنها بسیار نا مطلوب است. با این همه و با وجود این دست آوردها که ۱۰۰ سال پیش دست نیافتنی به نظر می‌رسید روز اول ماه مه ماندگار و پا برجا به صورت مهمترین و محبوب ترین روز بین المللی مطرح است. سبب آن چیست؟

سبب را باید در نقشی که اول ماه مه در تغییر وضع دیروز با امروز توانسته بوجود آورد و در نیازی که نه فقط کارگران و مزدبگیران، بلکه بسیاری از گروه‌های اجتماعی دیگر احساس می‌کنند باید دید. نگاهی به ترکیب اجتماعی شرکت کنندگان و طیفهای که همه ساله در کشورهای مختلف در مراسم های این روز شرکت می‌کنند اگر بیندازیم سبب را خواهیم یافت. روز کارگر نیز مانند همه چیز در گذر زمان و رویدادها دچار تغییر و تحول شده است، اما به شکل مثبت. اول ماه مه همچنان مظهر و نماد همبستگی جنبش جهانی کارگر باقی مانده با این وصف کم نیستند مردمی که کارگر هم نیستند ولی احساس نزدیکی با آن دارند و این نزدیکی را با شرکت در مراسم های روز کارگر نشان می‌دهند.

گفته‌اند نخستین اطلاعات در مورد اول ماه مه نخستین بار در سال ۱۲۹۹ یعنی ۱۰۰ سال پیش در نشریه حقیقت منتشر شد و گروه بزرگتری با روز کارگر و فلسفه و چگونگی تشکیل آن آشنا شدند. نخستین اتحادیه های کارگری نیز در همین دوران شکل گرفتند و برگزاری روز جهانی کارگر نیز هم زمان با آن توسط اتحادیه ها شروع شد و در آغاز و تا زمانی که پایه‌های دیکتاتوری رژیم رضا شاه محکم نشده بود و اتحادیه از آزادی نسبی برای فعالیت برخوردار بودند روز کارگر نیز سال به سال بهتر برگزار می‌شد. اتحادیه های کارگری نیز مرتب در حال رشد بودند و زمانی هم که فعالیت احزاب و اتحادیه های کارگری در سال ۱۳۱۰ رسماً ممنوع شد و قانون منع "فعالیت های اشتراکی" به تصویب رسید کارگران کارخانه نساجی وطن در اصفهان در ۱۵ اردیبهشت با ۱۳ خواسته دست به اعتصاب زدند و به مقابله با ممنوعیت فعالیت سندیکایی که در واقع بطور غیر رسمی از سال ۱۳۰۵ شروع شده بود برخاستند. رهبران این اعتصاب نیز به همراه تعدادی از کارگران اخراج و زندانی شدند. با این حال کارگران به بخشی از خواسته های خود رسیدند. رهبر این اعتصاب و کسی که توانسته بود در اوج سیطره رژیم دیکتاتوری رضا شاه دیکتاتوری وی را به مبارزه بطلبد محمد اسماعیلی مشهور به سید محمد تنها بود که پس از تحمل ۷ سال زندان به قتل رسید. در دوران رضا شاه عده دیگری از مبرزترین رهبران وقت جنبش سندیکایی به نام های علی شرقی، محمد انزابی، پور رحمتی، سید تقی حجازی و رضا غلام عبدالله زاده، به قتل رسیدند و عده دیگری از آنان تا سقوط رضا شاه در زندان به سر بردند

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

نه به جنگ و تجاوز، آرای به صلح و آزادی!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



روز کارگر ۱۴۰۱ متفاوت با خیلی سالها!

روز کارگر امسال نه تنها مهمترین رویداد کارگری هفته بود بلکه از جهاتی مهمترین روز کارگر از سال ۶۰ تا کنون بود. آخرین روز کارگر در سال ۱۳۶۰ در میدان آزادی تهران و با شرکت بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر برگزار شد که با حملات لباس شخصی ها و گروه های چماقدار مسلح وابسته به حکومت به آن و کشته شدن یک تن و محروح شدن چند تن دیگر در اثر پرتاب نارنجک به میان جمعیت حاضر و هجوم اوباشان حکومتی در میدان آزادی تهران به خون کشیده شد.

از آن پس دیگر به تشکلهای مستقل و هیچ یک از سازمانهای مدافع حقوق کارگر اجازه برگزاری روز کارگر داده نشد و حکومت با افزایش مداوم اختناق و سرکوب باقی مانده شوراها و سندیکاهای غیر دولتی را تعطیل و تعدادی از رهبران آنان را زندانی و عدهای از آنان را نیز در سالهای بعدتر در زندان به قتل رسانید. بعد از سرکوب های خونین دهه ۶۰ که تعدادی از فعالین شورایی و سندیکایی در جریان آن به قتل رسیدند تا زمان دولت دوم خاتمی فقط به تشکل خانه کارگر که وابسته به حکومت بود و نقش چماق حکومت علیه کارگران را به عهده داشت اجازه راهپیمایی خیابانی داده می شد.

در سالهای ۱۳۸۱ و ۸۲ در دولت دوم خاتمی به کارگران در تهران اجازه داده شد تا مراسم روز کارگر را در فرهنگسرای ارسباران و یاقوت بطور محدود برگزار کنند. در زمان احمدی نژاد پس از مدتی حتی به تشکلهای وابسته به حکومت هم اجازه برگزاری قانونی روز کارگر داده نمی شد.

امسال اما علاوه بر کارگران هفت که ممنوعیت روز کارگر توسط حکومت را در هم شکستند و بمناسبت روز کارگر تظاهرات بزرگی بر پا کردند، بازنشستگان در چندین شهر، داروسازان در تهران، کارگران کشت و صنعت کارون، کارگران شهرداری شوشتر نیز در همین روز برای اعتراض به نادیده گرفته شدن حقوق شان مباردت به تجمع و اعتراض خیابانی نمودند. اما معلمان با برگزاری تجمع و اعتراض از پیش اعلام شده در حداقل ۵۰ شهر در روز کارگر عملاً طلسم ممنوعیت برگزاری روز کارگر را شکستند و همبستگی و همراهی خلل



ناپذیر خود با کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران را به نمایش گذاشتند و هزینه سنگینی نیز بابت آن متحمل شدند. بازداشت ۴۰ فعال صنفی و مجروح و مضراب شدن دهها معلم زن و مرد در اثر یورش های لجام گسیخته و وحشیانه پاسداران استبداد و بی عدالتی به تجمع های مسالمت آمیز، مدنی و حق طلبانه معلمان تداعی کننده هجوم نیروهای سرکوبگر و آتش به اختیار به اجتماع بزرگ روز جهانی کارگر ۱۳۶۰ در میدان آزادی تهران بود. همانطور که آن سرکوب و سرکوب های پیش از آن نتوانست خللی در عزم کارگران برای پاسداشت روز جهانی کارگر بوجود آورد، سرکوب و بازداشت ده ها معلم و کارگر نیز نخواهد توانست عزم و اراده معلمان برای پیگیری حقوق شان را متزلزل کند.

ادامه مبارزه با اعتصاب غذا در زندان

معلمان مبارز و حق طلب در هر شرایطی به مبارزات شان برای احقاق حق ادامه می دهند. حکومت سرکوبگر به غلط تصور می کند که با زندانی کردن فعالین صنفی معلمان می تواند به مبارزات آنان خاتمه دهد.

مبارزه حق طلبانه معلمان از حمایت گسترده مردم ایران برخوردار است. مردم مخالف برخوردهای سرکوبگرانه حکومت با معلمان و زندانی کردن معلمان هستند و خواسته های معلمان زحمتکش را به حق می دانند و خواهان دادن پاسخ مثبت به خواسته های معلمان هستند. دهها تشکل مختلف، کارگری، مدنی، سیاسی و اجتماعی مختلف ضرب و شتم و بازداشت فعالین صنفی معلمان را محکوم و خواستار آزادی بی قید

با بازداشت دهها تن از معلمان و در زندان نگاه داشتن آنان مبارزه معلمان با اعتصاب غذا در زندان هم ادامه پیدا کرد. بعد از اعلام اعتصاب غذای اسماعیل عیدی که از قبل در زندان بود و در اعتراض به سرکوب معلمان شروع شد تعداد دیگری از معلمان زندانی نیز مبادرت به اعتصاب غذا کردند. گفتنی است از محل بازداشت بسیاری از معلمان خبری در دست نیست و به درستی معلوم نیست که چه تعدادی از آنان اعتصاب غذا کرده اند و با آنان در زندان چگونه رفتار می شود. تازه ترین خیرها حاکی از انتقال اسماعیل عیدی به زندان کچویی است. علت این انتقال هنوز دقیقاً روشن نیست ولی به نظر می رسد ناکامی زندانبانان در شکستن اعتصاب غذای آقای عیدی و معلمان زندانی که در اعتصاب غذا هستند در انتقال اسماعیل عیدی نقش داشته است.

حمایت سازمان جهانی معلمان از معلمان معترض و حق طلب ایران:

از اعتراضات معلمان ایران و محکومیت برخوردهای قهری با معلمان (ei) حمایت سازمان جهانی معلمان در تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ (۱۰ اردیبهشت ۴۰۱) صفحه "اتحادیه بین المللی حمایت از کارگران ایران"، خبر دستگیری چهار تن از فعالین صنفی ایران (رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، علی اکبر باغانی) در آستانه روز معلم و کارگر در ایران، داد

پس از آن، در تاریخ ۳ می (سیزدهم اردیبهشت ۴۰۱) سازمان جهانی معلمان (نماینده سازمان های معلمان و سایر کارمندان آموزش و پرورش در سراسر جهان) با باز نشر این خبر، حمایت خود را از تظاهرات معلمان ایران نشان داده و بیان کرد

دستگیری فعالان معلمی در ایران در آستانه اول ماه می را قاطعانه محکوم می کنیم! سرکوب و تعقیب معلمان و سایر فعالان سندیکایی و جنبش های کارگری در این کشور باید متوقف شود"

اسامی ۱۱ تن از فعالین صنفی بازداشت شده معلمان در ۱۱ اردیبهشت که همچنان در زندان هستند
تداوم بازداشت و بلاتکلیفی معلمان بازداشت شده



رسول بداقی (تهران)، محمد حبیبی (تهران)، جعفر ابراهیمی (تهران)، علی اکبر باغانی (تهران)، محسن رضا امانی فر (بوشهر)، اصغر حاجب (بوشهر)، -عمرانی (بوشهر)، محمود ملاکی (بوشهر)، اسکندر لطفی (مریوان)، مسعود نیکخواه (مریوان)، هادی صادق زاده (مشهد)

ادامه اعتصاب و اعتراض در شرکتهای پیمانکاری صنعت نفت

بنا بر گزارشات متعددی که از ۴ اردیبهشت به این سو در کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت منتشر شده است. اعتراض و اعتصاب در تعدادی از واحد های نفتی و پتروشیمی و پروژه های که هنوز کارفرمایان حاضر به پذیرش مطالبات کارگران نشده اند ادامه دارد. به گزارش این کانال در تعدادی از واحدها نیز کارفرمایان در مقابل اعتراض کارگران عقب نشینی کرده اند. اعتراضات نخست در ۴ اردیبهشت از پالایشگاه اصفهان، فازهای گازی عسلویه و پتروشیمی بوشهر واقع در میانه شهرهای عسلویه و کنگان شروع شد و با پیوستن کارگران یمانکار فاز دو پتروشیمی پترو کیان، پتروشیمی بوشهر، پیمانکاری بهروز لیموچی در نیروگاه سیکل ترکیبی، اورود پتروپالایش کنگان، اورود در پتروپالایش کنگان، نیروهای ساخت مخزن و پایپ راک پتروشیمی اسلام آباد غرب، نیروهای پیمانکاری شیروانی پتروشیمی دماوند در فاز دو عسلویه و کارگران پروژه ای آی جی سی چشمه خوش دهلران ادامه پیدا کرد. در تعدادی از شرکتهای نیز کارفرمایان با مشاهده اعتصاب در واحدهای دیگر عقب نشینی و با مطالبات کارگران موافقت کردند. البته معلوم نیست بعد از فروکش کردن اعتراضات زیر قول و قرار های شان نزنند. آن عاملی که باعث پیمان شکنی کارفرمایان بعد از اعتصابات می شود فقدان تشکل پایدار در شرکتهای و امضا نکردن قرار دادهای دسته جمعی است که بدون تشکل از لحاظ عملی و حقوقی دست یافتنی نیست.

مطالبات این دور از اعتراضات کارگران پیمانی نفت و دلایل آن در اعلامیه کوتاهی که در ۴ اردیبهشت از طرف شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

منتشر شد گفته شده:

همکاران ما با اعتراضاتشان به پیشواز اعتصاب سراسری پنجم اردیبهشت میروند

۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر را گرامی میداریم

همانطور که قبلا اعلام کردیم ما کارگران پیمانی پروژه ای نفت برای پیگیری مطالباتمان و در اعتراض به تعرض هر روزه به زندگی و معیشت خود به استقبال اعتصاب سراسری برای روز پنجم اردیبهشت میرویم. در پی این تصمیم همکاران ما در پالایشگاه اصفهان، فازهای گازی عسلویه و پتروشیمی بوشهر واقع در میانه شهرهای عسلویه و کنگان) به استقبال اعتصاب سراسری رفته و از هم اکنون وارد اعتصاب شده اند تا عزم راسخ خود را جهت پیگیری مطالباتشان به پیمانکاران مفتخور نشان دهند. شیفت کاری بیست روز کار و ده روز مرخصی و افزایش حقوقها در سطوح اعلام شده ما کارگران پیمانی، از جمله مطالبات فوری ماست و باز هم تاکید میکنیم که حقوقها باید متناسب با نرخ واقعی هزینه های زندگی و افزایش هر روزه آن افزایش یابد و مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون باشد. همچنین باید به امیتی کردن مبارزات و تهدید همکاران به اخراج بخاطر طلب حق و حقوق شان خاتمه داده شود و شرایط کاری و زیستی در محیطهای کار و زندگی انسانی باشد. از جمله ما خواستار بهبود قابل قبول خوابگاهها، غذاخوریها و وضع غذا در کمپ ها هستیم

در عین حال ما نیز همچون معلمان و بازنشستگان بر خواستهایی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن به عنوان حقوق پایه ای همه کارگران و همه مردم و خاتمه دادن به پرونده سازبهای امنیتی تاکید داریم و خواستار آزادی کارگران زندانی، معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی هستیم

در آخر با تاکید بر دو خواست اساسی خود کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی و برای پیگیری مطالباتمان همراه با معلمان عزیز به استقبال روز جهانی کارگر



میرویم. اول ماه مه روز همه ما کارگران و همه مردم درد کشیده از بردگی و استثمار است. همه با هم این روز را گرامی بداریم.

مناطق_ویژه_اقتصادی_#

در این کانال همچنین گزارشی از نهمین اعتراض کارگران شهرداری شوش منتشر شده که از قول کارگران نوشته شده:

کارگران شهرداری شوش در نهمین روز اعتراضات خود برای حقوق معوقه خود، ۴ ماه در سال گذشته و همچنین در سال جاری هنوز جوابی نگرفته اند. این کارگران می گویند ما در شرایط بسیار سختی زندگی می کنیم و خانواده هایمان سفره شان خالی است و معیشتمان بسیار سخت است، چرا مسئولین به فریاد ما رسیدگی نمی کنند آنها نمی دانند ما با این گرانیها چه شرایط سختی را تحمل می کنیم، ما نه تنها برای حق و حقوق معوقه خود معترضیم بلکه نگران امنیت شغلی و نوع قراردادمان هستیم که کارفرمایان از طریق آن ما را در این شرایط قرار داده اند.

فقط ۴ درصد از کارگران قرارداد موقتی نیستند

به گفته علی خدایی نماینده تشکلهای اسلامی حکومتی در شورای عالی کار، ۹۶ درصد کارگران در ایران با قراردادهای موقت کار می کنند و ۳ و نیم میلیون نیز تحت پوشش قانون کار قرار ندارند. البته تعداد کارگرانی که تحت پوشش قانون کار نیستند بسیار بیشتر از ۳ و نیم میلیون است. همچنین باید افزود آنهایی هم که اسما تحت پوشش قانون کار هستند قانون در موردشان رعایت نمی شود و وضعیت چندان بهتری از کسانی که قانون شامل حال شان می شود ندارند

افزایش حقوق بازنشستگان در گروگان تصمیم گیرندگان دولتی

افزایشی که قرار بود از اول امسال به حقوق و مستمری بازنشستگان تعلق گیرد و پرداخت شود همچنان در گروگان مدیران ارشد دولتی قرار دارد و تا کنون به رغم اینکه ظاهراً در مورد جزئیات آن هم تصمیم گرفته شده پرداخت نشده است.

طبق خبرهای منتشر شده توسط تشکلهای حکومتی بازنشستگی قرار است افزایش از پایان اردیبهشت اعمال و به حسابهای مستمری بگیران واریز شود. با این وصف نظر به خلف وعده های گذشته معلوم نیست که در پایان اردیبهشت پرداخت شود و یا باز هم به ماه بعد موکول شود. تعلل در پرداخت افزایش مستمری صورت می گیرد که افزایش همه روزه قیمت کالاهای اساسی و دارو، امان بازنشستگان را که اکثرشان حداقل بگیر هستند را بریده است.

از مبارزه معلمان برای آزادی فعالین صنفی معلمان از زندان حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و کلیه زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!



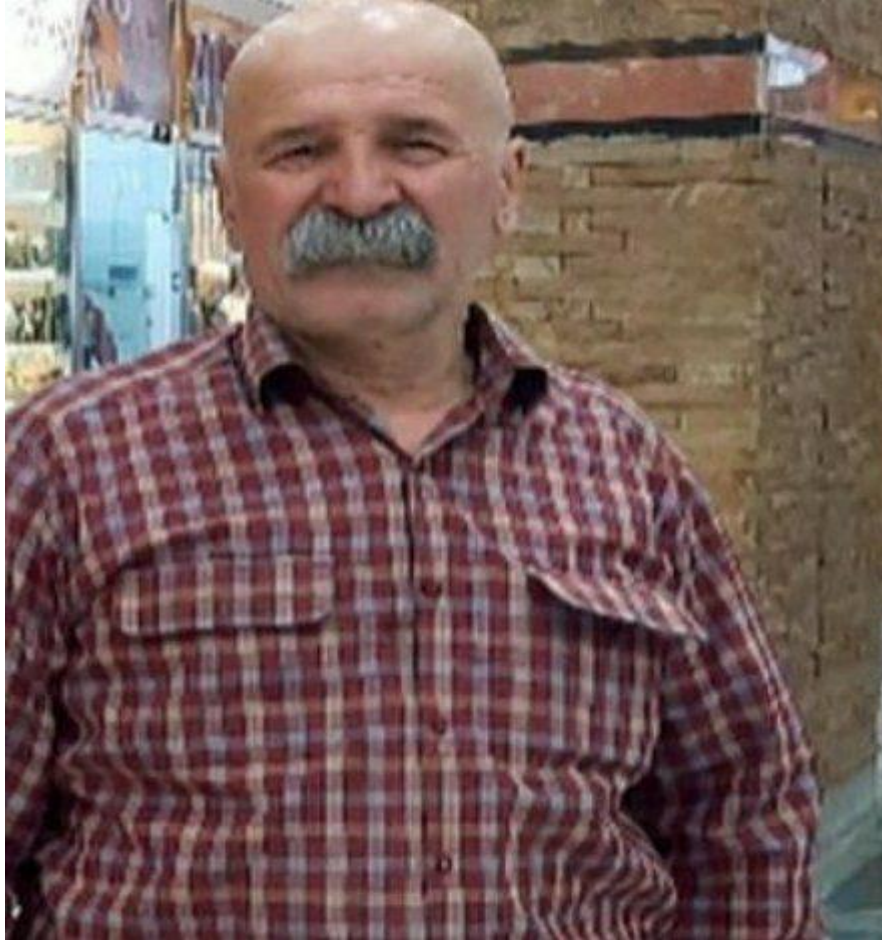
در ۱۸ اردیبهشت معلمان مریوانی در اعتراض به در زندان نگاه داشتن دو تن از فعالین صنفی شان در این شهر اعتصاب کردند. این تصویر تنها یکی از دهها تصویری است که از این اعتصاب منتشر کرده‌اند. در زیر تصویر نوشته اند:

"تحصن حمایتی معلمان کردستان از اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه و اعتراض به هتک حرمت معلمان"





عثمان اسماعیلی بازداشت شد
امروز شنبه ۱۰ اردیبهشت حدود ۱۱ نفر از ماموران لباس شخصی ساعت ۱۰ صبح به منزل شخصی عثمان اسماعیلی یورش می برند و ضمن تفتیش منزل ایشان تعدادی وسائل شخصی او را با خود به می برند



***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>